

رد نظریه دین نهاد محور ،

همواره این پرسش برایم مطرح بوده که چرا دین را با نهاد و سیستم آمیخته می‌کنیم؟ آیا این تصویر درستی از دین است؟ سالهای سال در انزوای کامل به این موضوع فکر کردم، نتیجه اینکه راه نجات ایران در حال حاضر ارائه قرائت جدید از اسلام است، مزیت این راهبرد این است که نسبت و وابستگی زعمای مذهب شیعه امامیه را از اسلام می‌گسلد دیگر اینکه رابطه پول و دین را قطع می‌کند، دیگر اینکه همه اقوام و ملل و مذاهب دیگر را پوشش میدهد، دیگر اینکه شغل و منصب دینی را از میان برمیدارد، دیگر اینکه مردم امروز را از گذشته جدا می‌کند، دیگر اینکه قرائت حکومت از دین را برای همیشه به موزه بایگانی تاریخ می‌سپارد، دیگر اینکه عرصه دین را چنان وسیع و بسیط می‌کند که دیگر احادی بجز احاطه بر آنها به خود نمی‌دهد، از مزایای این دیدگاه نفی کامل خرافات، جاگزین کردن وحدت در کثرت بجای وحدت بلاکثرت مذهب، و بسیاری مزایای دیگر، که برترینش (آزادی) است، که با از میان برداشتن آخوند از متن دین میسر میگردد / آنکه در دین اصل آزادی نبیند آشکار / / در نیابد مقصد دین را به عصر و روزگار / / زانکه دین بر اصل آزادی بگیرد اعتبار / / مذهب جبری کجا دارد نشان از کردگار / همه مذاهب قرائت اطاعت و اسارت و حکومت ارائه می‌دهند، ما هم قرائت آزادی ارائه می‌دهیم آنوقت با مذهبیهون بحث می‌کنیم که کدام قرائت با واقعیت این جهان سازگار تر است؟ آن قرائت می‌شود دین مردم، هم آزادی هم دین،